

بازوبندهایی از جنس حرز و آرزو
(پیوست‌های صوری و فرهنگی بازوبندهای دوره قاجار)*

سکینه خاتون محمودی^۱ سید ابوتراب احمدپناه^۲ محمد خزایی^۳

(دريافت: ۱۳۹۷/۸/۲۵ پذيرش: ۱۳۹۸/۱/۲۸)

چكیده

امروزه در مطالعات تاریخی و فرهنگی، اشیا و تصاویر نیز همچون متن‌های نوشتاری، به عنوان منابع اطلاعاتی شناخته می‌شوند. منابعی که نه تنها در تکمیل اطلاعات به دست آمده از منابع نوشتاری اهمیت دارند؛ بلکه قادر به ارائه اطلاعاتی هستند که نویسنده‌گان متن‌های تاریخی قادر به بیان آن‌ها نبوده‌اند. با بررسی این آثار و خوانش مضامین فرهنگی رایج بر آن‌ها می‌توان به فهم و درکی عمیق‌تر از اندیشه‌های رایج و شیوه زیست و زندگی مردم نائل شد. اشیای طلسی و تعویذی در زمرة اسناد اصلی قرار دارند که شیوه طراحی و پیوست‌های فرهنگی و مذهبی رایج در آن‌ها، پیوستگی بسیاری با فرهنگ عامه مردم دارد. در این تحقیق که با هدف شناخت تأثیر ایدئولوژی و مذهب بر فرهنگ مادی دوره قاجار و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته، تلاش شده است تا با مطالعه موردی انواع

*. اين مقاله برگرفته از رساله دكتري نويسنده اول با عنوان «بررسی نسبت عناصر هنري رایج در فرهنگ مادي دوران قاجار با آموزهای شيعي» است که با راهنمایي نويسنده دوم و سوم در دانشكده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

۱. دانشجوی دکتری هنر اسلامی، دانشكده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.

۲. استادیار گروه ارتباط تصویری دانشكده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس (نويسنده مسئول).

* Ahmadp_a@modares.ac.ir

۳. استاد گروه ارتباط تصویری دانشكده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.

«بازوبندها»، به چگونگی کاربرد مضماین مختلف بر روی این آثار پرداخته و بدین پرسش اساسی پاسخ داده شود که باورداشت‌های اسلامی - شیعی چگونه در ساختار ظاهری و نقوش رایج در بازوبندهای قاجاری نمود یافته‌اند؟ در این پژوهش در دو بخش اصلی جایگاه بازوبند در فرهنگ ایرانی - اسلامی و پیوستهای صوری و فرهنگی بازوبندها (روایت‌ها، کُدها و رمزنگاره‌ها) بدین مسئله پرداخته شد. نتیجه این بررسی ضمن اینکه نشان از تأثیر مستقیم مذهب تشیع و اعتقادات اسلامی بر بازوبندهای دوره قاجار دارد، بیانگر تأثیر مستقیم باورهای عامیانه در شیوه کاربرد و طراحی این آثار است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ مادی، مذهب تشیع، بازوبند، دوره قاجار.

۱. مقدمه

از قدیم‌ترین روزگاران تاکنون، مردم با مدد جستن از عناصر مختلف، تلاش کرده‌اند تا خود را از بلایا در امان نگاه دارند. یکی از این راه‌ها استفاده از طلسما و تعویذ است. پیوستگی طلسما و تعویذ با نیروهای اسرارآمیز، هاله‌های اسطوره‌ای و معنایی متعددی به اشیای مرتبط با این پدیده بخشیده است. خاصیت بسیاری از اشیای طلسما و تعویذی در جلب خیر و دفع شر - که کارکردی کارگشا و بلاگردان دارد - جایگاه خاصی را برای این اشیا در زندگی مردم رقم زده است؛ جایگاهی که با ذهن و زندگی عامه مردم پیوند یافته و با نمادها و نمودهای مختلف پدیدار شده است.

اشیای طلسما به‌جا مانده از دوره‌های گذشته، به‌دلیل پیوستگی با زندگی عامه مردم، در شمار استناد اصیلی قرار دارند که می‌توانند در بازسازی ساختار اندیشه مردم نقش بسیاری را ایفا کنند. اهمیت این اشیا در تکمیل اطلاعات به‌دست آمده از منابع نوشتاری، امروزه بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا این آثار قادر به ارائه اطلاعاتی هستند که نویسنده‌گان متن‌های تاریخی و فرهنگی، کمتر به بیان آن‌ها پرداخته‌اند. مفاهیم به‌کار رفته در این اشیا - که در قالب مجموعه‌ای از علائم نوشتاری و تصویری نمود یافته - وجه مشترک تمامی اشیای طلسما و تعویذی در سراسر جهان است؛ اما در فرهنگ

عامیانه مردم ایران، پس از دوره صفوی و در دوره قاجار، مفاهیم اسلامی - شیعی جایگاه خاصی در عرصه فرهنگ عمومی پیدا کرده و همراه با عناصر فرهنگ ایرانی، از وجود پرسامد در طراحی اشیای طلسمی و تعویذی بوده‌اند. بهره‌گیری از گنجینه پر بهای دینی بر روی بسیاری از اشیای طلسمی و تعویذی با باورهای مردم درخصوص اثرگذاری برخی تصاویر، کلمات، آیات و اذکار ارتباط دارد.

بازوبندها از مشهورترین اشیای طلسمی و تعویذی در فرهنگ ایرانی هستند که کارکردی صرفاً بلاگردان و کارگشا دارند. در این پژوهش که با هدف شناخت تأثیر باورداشت‌های مذهبی - اسلامی و شیعی بر فرهنگ مادی شیعیان، انجام پذیرفته، تلاش شده است تا با مطالعه موردی «بازوبند» به عنوان یکی از عناصر مادی رایج در فرهنگ عامه مردم، به تأثیر این عقاید بر شیوه طراحی بازوبندها در دوره قاجار پرداخته شود. آنچه در این گفتار مورد بحث است، نشان دادن روایت‌ها، گُدها و رمزنگارهای رایج بر روی بازوبندهای دوره قاجار است. بنابراین با فرض اینکه باورداشت‌ها و عقاید اسلامی - شیعی بر فرهنگ مادی عامه مردم در دوره قاجار تأثیر مستقیم داشته است، تلاش می‌شود تا بدین پرسش اساسی پاسخ داده شود که باورداشت‌های اسلامی - شیعی چگونه در ساختار ظاهري و نقوش رایج در بازوبندهای قاجاري نمود یافته‌اند؟ و پرکاربردترین مضامين به کار رفته در آن‌ها چه بوده است؟

۲. روش تحقیق

روش کار در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی است. نمونه‌های مورد بررسی بر مبنای فرضیه و سؤالات تحقیق، به شیوه انتخابی از بین آثار موجود در مجتمعه‌های الکترونیکی آنلاین موزه‌های بریتیش، اشمولن، سایت زنان قاجار، کریستی و منابع چاپی همچون طلسم گرافیک سنتی اثر تنالی (۱۳۹۴) و مجموعه هنر اسلامی (بزارآلات علمی) اثر خلیلی (۱۳۸۷) انتخاب شده‌اند. از بین ۳۵ اثر موجود در این مجموعه‌ها، تعداد ۲۵ اثر، به روش نمونه‌گیری انتخابی برگزیده و به تناسب موضوع، تصویر تعدادی از آن‌ها در متن گنجانده شد. تحلیل این آثار بر مبنای رویکرد فرهنگی جفری الکساندر^۱ و فیلیپ اسمیت^۲ انجام شده است؛ یعنی رویکردی که با ترکیب و

تفسیر برخی از آراء دورکیم^۳، پدیدارشناسی و جامعه‌شناسی به همراه نشانه‌شناسی شکل گرفته است و می‌کوشد تا ساختار فرهنگ را توضیح دهد.

۳. پیشینه تحقیق

موارد محدودی تحقیقات انجام‌شده در مورد «بازوبندها» در حوزه ادبیات و اشاره به رسوم پهلوانی و اساطیری وجود دارد؛ از جمله می‌توان به مقالات آیدنلو (۱۳۸۹) «بررسی و تحلیل چند رسم پهلوانی در متون حمامی»، همو (۱۳۹۲) «برخی نکات و بن‌مايه‌های داستانی منظمهٔ پهلوانی عامیانه زرین‌قبانامه» اشاره کرد. نویسنده در این مقالات، بازوبند را در منظمه‌های پهلوانی و اساطیری مورد توجه قرار داده است. همچنین، خالقی مطلق (۱۳۸۸) در کتاب گل رنج‌های کهن به موضوع بازوبند پهلوانی اشاره کرده است. بزرگ‌بیگدلی و همکاران (۱۳۸۶) نیز در مقاله «نمادهای جاودانگی (تحلیل و بررسی نماد دایره در متون دینی و اساطیری)» به رازآمیزی حلقه و دایره به عنوان نماد جاودانگی پرداخته، موضوع پیوند دایره، سنگ، فلز و باورهای مرتبط با آن‌ها را در اشیای مختلفی همچون انگشت، تاج، یاره، کمرband و از آن جمله بازوبند بررسی کرده‌اند. نیکویخت و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «فلز و قداست آن در اساطیر ملی و متون دینی» جایگاه فلز و ویژگی‌های شرستیزی اشیای فلزی را در باور مردم مورد توجه قرار داده، در این بررسی، به اشیایی همچون بازوبند نیز اشاره کرده‌اند. در مورد نمونه‌های عینی بازوبندها به عنوان بخشی از فرهنگ عامه و هنر اسلامی، تناولی (۱۳۹۴) در کتاب طلسه گرافیک سنتی ایران و خلیلی (۱۳۸۷) در کتاب مجموعه هنر اسلامی (ابزار آلات علمی) به این موضوع پرداخته و در آثار خود نمونه‌هایی از بازوبندهای فلزی را معرفی کرده‌اند. لیکن تحلیلی در این زمینه صورت نگرفته است. جست‌وجو برای یافتن پژوهشی مشابه در مورد بازوبندهای دوره قاجار و مطالعه پیوست‌های صوری و فرهنگی رایج در آن‌ها، نتیجه‌های در بر نداشت. این مقاله از حیث پرداختن به فرهنگ مادی دوره قاجار و مطالعه موردي بازوبندها به عنوان بخشی از فرهنگ عامه، پژوهشی نو محسوب می‌شود.

۴. مبانی نظری

فرهنگ مادی، بخشی از فرهنگ است که دربرگیرنده اشیا و وجه مادی زندگی انسان‌هاست. رویکردهای فرهنگی که بر معانی فرهنگی اشیا تأکید دارند، از مهم‌ترین جریان‌های رایج در مطالعه فرهنگ مادی هستند. امیل دورکیم، مارسل موس، پی‌یر بوردیو، جفری الکساندر و فیلیپ اسمیت از مشهورترین چهره‌های این جریان هستند (وودوارد، ۲۰۰۷: ۳). این مقاله بر مبنای روش تحلیلی جفری الکساندر و فیلیپ اسمیت، از مشهورترین نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان معاصر، تدوین شده است. مزیت طرح الکساندر و اسمیت، نسبت به سایر شیوه‌ها، توجه به ترکیب و تلفیق نظریه‌هاست که چارچوب روش‌شناختی جامعی را برای مطالعه فرهنگ فراهم می‌کند. شاخص‌ترین وجوده تفکر آن‌ها که مناسب این پژوهش است، بدین شرح‌اند:

- «خودآینی یا استقلال نسبی فرهنگ»^۴: منظور از خودآینی فرهنگ، جداسازی تحلیلی و دقیق فرهنگ از ساختار اجتماعی است. الکساندر و اسمیت در مطالعات خود، فرهنگ را به عنوان علت نگاه می‌کنند، نه اساساً به عنوان انعکاسی از زندگی اجتماعی (فخرائی، ۱۳۸۸: ۴۵).

- «توصیف ژرف»^۵: الکساندر و اسمیت با تأکید بر استقلال نسبی فرهنگ، به تبیین ویژگی‌ها یا اصول روش‌شناختی خود می‌پردازند. اصل اول در این برنامه، بازسازی قوی و متقاعدکننده متن اجتماعی است و آنچه برای این امر مورد نیاز است، «توصیف ژرف» گیرتزی از رمزگان، روایتها و نمادهایی است که شبکه‌ها و تارهای بافت‌شده معنای اجتماعی را به وجود می‌آورند» (الکساندر و اسمیت، ۲۰۰۶: ۱۳). منظور از توصیف ژرف، رویه‌ای است که در آن معنا از طریق ارجاع به زمینه فرهنگی گسترده‌تر قابل فهم می‌شود.

- شیء فرهنگی: از نظر گیرتز، کالاهای مادی می‌توانند جنبه‌ای از فرهنگ باشند؛ اما فقط هنگامی که معنایی به آن‌ها نسبت داده شود (هال و جونیتس، ۱۳۹۰: ۳۶۰). هر پدیده ذاتاً دنیوی یا مقدس نیست؛ بلکه زمانی یکی از این دو خصلت را پیدا می‌کند که مردم یا برای آن پدیده ارزش فایده‌آمیز قائل شوند و یا بر عکس، صفات

ذاتی‌ای را به آن نسبت دهند که به ارزش و سیله‌ای اش هیچ ارتباطی نداشته باشد (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

- گُدهای نمادین خیر و شر: الکساندر با الهام از دوگانه لاهوتی^۷ / ناسوتی^۸ دورکیم، طرح تحلیلی خود را گسترش می‌دهد و می‌گوید: «فرهنگ باید به عنوان نظامی از گُدهای نمادین درک شود که خیر و شر را مشخص می‌کند» (الکساندر و اسمیت، ۱۹۹۳: ۱۹۶). تقسیم جهان به دو حوزه، یکی در بردارنده همه چیزهای لاهوتی و دیگری در بردارنده همه چیزهای ناسوتی خط تمایزی است که اندیشه دینی را از اندیشه‌های دیگر جدا می‌کند.

در ادامه مطلب با توجه به این نظریه، به موضوع اصلی این تحقیق در دو بخش اصلی: جایگاه بازوبند در فرهنگ ایرانی - اسلامی و پیوستهای صوری و فرهنگی بازوبندهای دوره قاجار، پرداخته می‌شود.

۴-۱. جایگاه بازوبند در فرهنگ ایرانی - اسلامی

بازوبند در زندگی ایرانیان تاریخ فرهنگی دیرینه‌ای دارد. آنچه تاکنون از این میراث کهن به روزگار ما رسیده، مجموعه‌ای است از بازوبندهای متعلق به دوره‌های تاریخی مختلف که در موزه‌های سرتاسر جهان پراکنده شده‌اند.^۹ مضامین مندرج در این بازوبندها، ضمن آنکه نشان از شیوه‌های هنری رایج و سلیقه حاکم بر هر دوره دارد، بیانگر جایگاه این آثار در نظام اندیشه و زندگی مردم نیز هست. برای فهم بهتر جایگاه بازوبند در فرهنگ ایرانی - اسلامی، این موضوع در سه بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱-۱. اهمیت بازوبندها

از روزگار کهن، حلقة قدرت یا دایره جادو یکی از ابتدایی‌ترین ابزار طلسمی محسوب می‌شده است. کاربرد نمادها، تصاویر و رمزنگاره‌ها در این آثار، که شناخت و دریافت معانی آن‌ها موقوف به آگاهی از معنای نقش‌ها و نشانه‌هاست، حکایت از جست‌وجوی دراز و تلاش پیوسته‌آدمی در به کارگیری نوعی معرفت هستی‌شناختی در جلب خیر و دفع شر دارد. هم‌پیوندی مقدس سنگ، فلز و دایره که دارای تعابیر معناشناختی بسیاری

در فرهنگ ایرانی - اسلامی است، یکی از این تدابیر حکیمانه است (بزرگ‌بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۶). این باور دیرین که فضاهای دایره‌ای و حلقه‌ای حافظ هر آن چیزی است که در درون حلقه جای دارد، سبب کاربرد دایره‌های حمایتگر به اشکال مختلفی همچون: تاج، کمربند، حلقه، انگشت، یاره، گوشواره و بازوبند شده است (شوایله و گربان، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

تاج در این عرصه، علاوه بر آنکه نماد قدرت است، به سبب نمادگرایی دایره، نشانه کمال و شراحت با طبیعت آسمانی نیز هست و کمربند ضمن آنکه بخشی از لباس و زینت است، کارکردی شرستیز و رازآمیز می‌یابد (بزرگ‌بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۳). اما انگشت، در بین این آثار از مهم‌ترین دایره‌های حمایتگر است که کاربرد گسترده‌ای دارد. فضای رازآمیز و جادویی درباره انگشت نه تنها از خلال مطالعه آثار تاریخی و روایت‌های مربوط به انگشت‌های سحرآمیزی همچون انگشت‌تری حضرت سلیمان (ع) قابل ادراک است؛ بلکه در دوران اسلامی با مطالعه توصیه‌های انجام‌شده در باب کاربرد انواع سنگ‌ها و نوشه‌های مورد استفاده بر روی انگشت‌ها، بیشتر فهمیده می‌شود. کتاب حایه‌المتنین حاوی شرح مفصلی در این خصوص است (مجلسی، ۱۳۷۳: ۱۵-۲۱). یاره‌ها از دیگر اشیای محافظاند که دو سر آن‌ها با نمادهای حیوانی مختلفی که گمان می‌رود کارکردهایی اعتقادی داشته یا نشانی توتمی و نیاکانی بوده‌اند، تزیین می‌شدند. بازوبندهای نیز در طول حیات خود نه تنها حلقه‌ای رازآمیز، نشانی توتمی و نیاکانی، حرز و تعویذی برای محافظت، قدرت و کامیابی بوده‌اند؛ بلکه پیوست‌های محتوایی عمیقی نیز با فرهنگ ایرانی اسلامی داشته‌اند. یکی از این بازوبندها که شهرت بسیار زیادی دارد، بازوبند رستم است:

به بازوی رستم یکی مهره بود
که آن مهره اندر جهان شهره بود
(فردوسي، ۱۳۸۷: ۸۱)

در بعضی از متون به اهمیت و رازگونگی این بازوبند اشاره شده است: «رستم بازوبندي داشت مزین به گوهرهای گران‌بها که طلسی بر آن بود و جز رستم هیچ کس نمی‌توانست آن خط طلسی را که بر لعل و زبرجد و الماس کنده بودند بخواند» (حالی مطلق، ۱۳۸۸: ۸۸). طبق این روایت، بازوبند رستم نه تنها نشانی نیاکانی و اجدادی بلکه محتوى تعویذ‌هایی طلسی نیز بوده است. به تصریح شاهنامه، علاوه بر

رستم، بسیاری از پهلوانان ایرانی، بازویندی حرزمانند یا نیاکانی بر بازو دارند. در برخی از این روایت‌ها بر خاستگاه مینوی یا قدسی بازویندها تأکید شده است. بازویند اسفندیار که خاستگاهی بهشتی دارد از این‌گونه است:

بکی نفرز پولاد زنجیر داشت	نهان کرده از جادو آژیر داشت
به بازوش درسته بُلد زرد هشت	به گشتاسپ آورده بود از بهشت
نبردی گمانی به بد روزگار	بدان آهن از جان اسفندیار

(فردوسي، ۱۳۸۷: ۲۰۷)

این بازویند که زرتشت آن را از بهشت آورده بود، جان اسفندیار را از شر آسیب‌ها حفظ می‌کرد و حرزی برای محافظت وی از گزندهای نهان اهریمنی بود. نیز در مواردی امتیاز یافته‌گی این اشیا به علت تجلی قدرت یا قداستی است که به واسطهٔ پیوند با یک شخصیت قدسی یا قدرتمند حاصل شده است. چنان‌که در منظمهٔ پهلوانی زرین‌قبانame، حضرت سلیمان^(۴) بازویندی بر بازوی «زرین‌قبا»، نوئه رستم (زرین‌قبانame، ۱۳۹۳: ۲۱۴)، کاهنی چینی زنجیری حرزمانند را بر بازوی «هزبر بلا»، یکی از دشمنان ایرانیان (همان، ۳۶۹) و «شهبان جادو» زنجیر زرینی را بر بازوی «زادشم» پسر افراسیاب می‌بنند (همان، ۸۲۴).

از دیگر خاصیت‌های ذکر شده برای بازویندها، درمانگری و شفابخشی است. چنان‌که کیخسرو مهره‌ای نیاکانی بر بازو داشت که درمان‌بخش زخمیان بود و با بستن آن بر بازوی گستهم، خستگی این پهلوان را مداوا می‌کرد:

زهوشنگ و طهمورث و جمشید	یکی مهره بد خستگان را امید
-------------------------	----------------------------

(فردوسي، ۱۳۸۷: ۲۲۷)

دایرۀ اثربخشی این آثار به نحوی بوده است که قرار گرفتن آن‌ها بر روی بازو، متضمن کارآمدی آن‌ها بوده و در صورت باز شدن، این تأثیرات نیز ناپدید می‌شده است. چنان‌که در منظمهٔ زرین‌قبانame، قمر طلعت با باز کردن زنجیر بازویند زادشم که به رویین‌تنی شهرت داشت بر او زخم می‌زند و وی را گرفتار می‌سازد (زرین‌قبانame، ۱۳۹۳: ۸۲۴).

۴-۱-۲. ویژگی‌ها

بررسی ویژگی‌های فرمی بازوبندها، بیانگر ارتباط برخی از نمادها و پندارهای کهن با شیوه طراحی این آثار است که به دو شکل عمدۀ قابل مشاهده است:

۴-۱-۲-۱. از نظر شکل

بازوبندها به شکل‌های مختلفی مثل: چشم، دایره، شش‌گوش، هشت‌گوشه یا چهارگوشه ساخته می‌شدند که برخی از آن‌ها دارای معانی نمادین هستند. از غلاف‌های تعویذی استوانه‌ای یا هشت‌گوشه که حامل قطعاتی از قرآن بوده و به منظور بستن بر بازو ساخته شده‌اند، نیز با نام بازوبند یاد می‌شود.

۴-۱-۲-۲. از نظر جنس

بیشتر بازوبندها از فلز ساخته می‌شدند و بر روی برخی از آن‌ها، سنگ‌های قیمتی به کار می‌رفت. شیوه طراحی این آثار از نظر شکل، اندازه و جنس، به سلیقه و مکنت سفارش‌دهنده بستگی داشت. این بازوبندها در دو گروه بازوبندهای مهره‌ای و بازوبندهای فلزی قابل دسته‌بندی‌اند:

الف) بازوبندهای مهره‌ای

اعتقاد به درمان‌بخشی یا وجود برخی خواص سحرآمیز در انواع مهره‌ها و برخی از احجار کریمه، برای دفع چشم‌zخم و محافظت از بلایا از دیرباز در فرهنگ ایرانی رایج بوده است. سابقه مکتوب این باور، به آثار نوشته‌شده به زبان پهلوی برمی‌گردد. کتاب روایت پهلوی از کهن‌ترین آثاری است که در آن به خواص انواع مهره‌ها اشاره شده و استفاده از آن‌ها برای رسیدن به بسیاری از خواسته‌ها توصیه شده است؛ همچون هماه داشتن مهره زرد برای دستیابی به خواسته‌ها، مهره سیاه برای پیروزی در کارها، مهره کبد برای کامیابی و نظایر آن (میرخواری، ۱۳۶۷: ۸۱). احتمالاً بر اساس همین باور است که در بعضی از روایات پهلوانی ایران، شهریاران و یلان مهره، یاقوت، گوهر و بازوبند ساخته شده از سنگ‌های گران‌بها را به بازو دارند (آیدنلو، ۱۳۸۹: ۱۲). این

موضوع در جای جای شاهنامه و سایر متون حماسی بازتاب یافته است. اعتقاد به اثربخشی و خواص ذاتی این سنگ‌ها در دوران اسلامی نیز تداوم یافت. در تنسوختن‌نامه ایلخانی خواص انواع سنگ‌ها شرح داده شده است. مثلاً خاصیت یاقوت برای کسب شکوه، هیبت، قوت و زود رسیدن به حوائج (طوسی، ۱۳۴۸: ۴۹)؛ زمرد برای قوت دل و درمان برخی امراض (همان، ۶۰) و فیروزه برای پیروزی بر خصم (همان، ۷۹).

سنگ‌های مورد استفاده در این بازویندها اغلب بر روی قابی فلزی قرار می‌گرفتند. در اندیشه ایرانیان فلز منشأ خیر، برکت و خوش‌یمنی دانسته شده و در سنت‌ها و اساطیر ایرانی به خاصیت ضد جادویی آهن اشارات ضمنی و صریح بسیاری شده است. طبق این روایات نه تنها گنبد آسمان که پیکر کیومرث، نخستین انسان و شهریار، و سرشت «شهریور»، یکی از نخستین امشاسبیندان که وظیفه مبارزه با اهریمن را بر عهده دارد، با فلز پیوند یافته است (فرنیغدادگی، ۱۳۶۹: ۴۹). بنا بر باورهای کهن، شهریور همه‌گونه کامه خدایی، نیرومندی و کامروایی را با ابزار فلزین میسر می‌سازد (همان، ۱۱۲). وی فرشته موکل بر جواهرات هفت‌گانه و فلزاتی است که قوام صنعت دنیا به آن‌ها بسته است (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۳۶). طبق این اعتقادات شهریور در پایان جهان با فلز گداخته به جنگ اهریمن می‌رود و بر او پیروز می‌شود (میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۶۲). جداسازی حق از باطل و درست از نادرست در آیین «ور ایزدی» از تجلیات شهریور است (مزدپور، ۱۳۶۹: ۲۱۴). ایستادگی در برابر بیماری، مرگ، واژو (سوختگی)، تب، اڑیواکه (مارگزیدگی)، چشم‌زخم، پوسیدگی، فساد، ناپاکی و پلیدی از دیگر ظایف وی است (رضی، ۱۳۷۶: ۱۸۰). احتمالاً بر اساس همین باور است که در برخی روایات به بستن زنجیر زرین یا آهنین بر بازوی پهلوان، اشاره شده است. به ویژگی آسمانی و قدسی فلز، نه تنها در متون پیش از اسلام که در متون اسلامی نیز تأکید شده است و مفسران قرآن در تفسیر آیه ۲۵ سوره حديد، به تقدس فلز و ویژگی آسمانی آن اشاره کرده‌اند. علاوه بر آن، در اعتقاد عامه، مظاهر اهریمنی مانند دیو و جن از «آهن» می‌ترسند (جهانشاهی‌افشار و مشیزی، ۱۳۹۶: ۳۳). تأثیر فلزات در دفع شر و گزند احتمالاً از دلایلی است که می‌تواند با کاربرد فلزات در بازویندها ارتباط داشته باشد.

بازوبندهای مهره‌ای تا دوره قاجار در ایران رایج بود. رسم بستن بازوبند پهلوانی نیز در این دوره ادامه داشت. بازو مهره یا بازوبند پهلوانی در دوره ناصری از جانب شاه به پهلوان پایتحت - که پشت دیگر یلان را به حاک رسانده بود - اعطای شد و تا زمانی که دیگری بر او تفوق نمی‌یافت امتیاز مزبور از آن وی بود (شاملو، ۱۳۷۷: ۱۱۵۵). تصویر ۱ نمونه‌ای از این بازوبندهای است.



تصویر ۱: بازوبند پهلوانی، قرن ۱۳ هجری
(<https://islamicworld.britishmuseum.org/collection/RRM38302>)

ب) بازوبندهای فلزی

نوع دوم بازوبندهای مورد استفاده، بازوبندهای فلزی بودند. در ساخت این بازوبندها از فلزات مختلفی همچون آهن، فولاد، مس، روی، برنز، نقره یا طلا استفاده می‌شد. پندراء دیرین مردم ایران مبنی بر قائل بودن اصلی الهی و آسمانی برای فلزات و نسبت دادن خواص سحرآمیز به آن‌ها با این موضوع در ارتباط است. ساخت بازوبندهای فلزی در دوران اسلامی گسترش یافت. در این دوران متاثر از معتقدات دینی، بستن قرآن‌های کوچک و حرز و ادعیه‌ای که در قابی فلزی قرار گرفته بودند، به بازو برای در امان ماندن از بلایا، رواج داشت.

۴-۱-۳. کاربردهای بازوپند

طلسم‌ها و تعویذهایی که بر روی بازوپندهای دوره قاجار به کار رفته‌اند، اگرچه جلوه‌ای سحرآمیز از این آثار را به نمایش می‌گذارند؛ اما عمدهاً بر پایه نیایش به درگاه خدا و بهره‌گیری از قرآن و ادعیه مذهبی شکل گرفته‌اند. بررسی نقوش، نمادها، اذکار و اوراد نوشته‌شده بر روی این بازوپندها، حاکی از کاربرد آن‌ها برای اهداف متفاوت است؛ کاربردهایی همچون حفاظت از بلایا، غلبه بر دشمن، کسب متعاق و لذات دنیوی، عشق، باروری و نیک‌فرجامی.

۴-۱-۳-۱. حفاظت از بلا

دسته بزرگی از بازوپندهای طلسمی را غلافهای تعویذی تشکیل می‌دهند که حاوی بخش‌هایی از قرآن یا ادعیه هستند. در این آثار هیچ اشاره‌ای به نمادها و جدول‌های طلسمی نمی‌شود. از این رو، اعتقاد غالب در طراحی این آثار، تکیه بر قدرت خداوند و ائمه در رسیدن به این‌منی است؛ زیرا در باور مسلمانان، حفاظت از بیماری، بلا و مصیبت، تنها از طریق توسل به خدا و به خواست او انجام‌پذیر است (تصویر ۲).



تصویر ۲: بازوپند نقره، اواسط قرن ۱۳ هجری cm ۶/۶ × ۲
[\(716#details\)](http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/6980/9992/0/12)

۴-۱-۲. غلبه بر دشمن

اگرچه در مبانی فکری مسلمانان استعانت جستن از خداوند متعال، شرطی اساسی برای غلبه بر دشمنان است؛ لیکن در بسیاری از بازوبندها ضمن استفاده از آیات قرآنی: «نصرٌ مِّنَ الَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ» (صف/۶۱) و «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» (فتح/۴۸) جهت تأثیرگذاری بیشتر، از جدول‌ها و نقوش طلسی نیز استفاده شده است (تصویر^۳).



تصویر^۳: دو طرف یک بازوبند نقره، قرن ۱۳ هجری (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

بازوبندهای «شیر و الشمس» نیز از این دسته‌اند که اغلب از جنس نقره یا فولاد و برای پهلوانان و کشتی‌گیران ساخته می‌شدند. بر این بازوبندها نقش شیر و داخل بدن شیر سوره الشمس نقش می‌شد. اشاره تمثیلی نقش شیر به حضرت علی^(ع) «اسدالله» و استعانت از وی به عنوان یک شخصیت الهی که سریسله پهلوانان است، می‌تواند از عمدترين دلایل کاربرد این نقش بر روی بازوبندهای پهلوانی باشد (تناولی، ۱۳۹۴: ۷۴). بر روی بیشتر این بازوبندها، در کنار نقش شیر و الشمس، جدول‌های طلسی، اعداد و حروف ابجد نیز نقش می‌شد (تصویر^۴).



تصویر ۴: بازوبند شیر و الشمس، نقره، قرن ۱۳ هجری
 ۷/۶ × ۸/۷ cm
 (تالی، ۱۳۹۴: ۷۲)

۱-۳-۳. کسب متع و لذات دنیوی

رسیدن به سعادت، عاقبت به خیری و به دست آوردن نعمت‌ها و لذت‌های دنیوی از دیگر مواردی است که بر بازوبندها نقش شده است. برای این منظور اغلب آیه ۱۴ سوره آل عمران که در آن به امور مادی و تعلقاتی همچون زنان، فرزندان، اموال هنگفت، اسب‌های ممتاز، چهارپایان و زراعت اشاره شده است، استفاده می‌شد (تصویر ۵).



تصویر ۵: بازوبند طلسی، نقره، قاجار،
 ۷/۱ cm (تالی، ۱۳۹۴: ۷۴)

تصویر ۶: بازوبند طلسی و دعا، برنج،
 اواخر قرن ۱۳، ۴/۸ cm، مأخذ:
 (تالی، ۱۳۹۴: ۷۵)

۴-۱-۳-۴. عشق

بعضی بازوبندها برای ایجاد و تداوم عشق میان همسران به کار می‌رفته‌اند. بر روی این بازوبندها، اغلب آیه «ان یکاد» (قلم ۵۱/۶۸)، نوشته شده و تصویر زوجی، همراه با خورشید نورانی و گرمابخش نقش شده است. این طرح، جزو نقوشی است که به طور انحصاری بر بازوبندهای طلسمی حک شده و موردی از کاربرد آن بر تعاویذ و حرزها مشاهده نشده است (تصویر ۶).

۴-۱-۳-۵. باروری و نیکفرجامی

توسل به نمادهای سحرآمیز از قدیم‌ترین روش‌های درمانی در سراسر جهان است. بر این بازوبندها اکثراً جدول‌هایی نقاشی شده است. در خانه‌ای از جدول، یک جفت شمايل انسانی زن و مرد و در خانه‌ای دیگر نقش جفت ماهی، یا نمادهای خورشید و ماه به عنوان نماد باروری و نیکفرجامی حکاکی شده‌اند (تصویر ۷).



تصویر ۷: بازوبند طلسمی، نقره، قاجار (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۲)

۴-۲. پیوست‌های صوری و فرهنگی رایج در بازوبندهای دورهٔ قاجار

گرایش به طلسما و دعا در جامعهٔ ایرانی عصر قاجار عمومی و گسترده بود و بهره‌گیری فراوان از انواع طلسما، تعویذها و حتی توسل به جادو از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نمودهای این تمایل به‌شمار می‌رود. طلسماها و تعویذها انواع بسیار داشته است و از مواد مختلفی ساخته می‌شدند (بلوکباشی، ۱۳۸۱: ذیل «باطل‌سحر»). مضامین درج شده بر روی بسیاری از این طلسماها، پیوستگی قابل توجهی با فرهنگ ایرانی - اسلامی، شیعی دارند. این پیوست‌ها را می‌توان در دو بخش ملاحظه کرد:

۴-۲-۱. پیوست‌های روایی بازوبندها

بخشی از روش تحلیلی برای درک ساختار فرهنگ، توجه به روایت‌هاست؛ زیرا «کل فرهنگ به اسلوب روایتگری شکل گرفته است» (ریکور، ۱۳۸۶: ۵۶) و روایت نیز همچون تاریخ، معناهای ضمنی بسیاری دارد. روایت‌های درج شده بر بازوبندها عبارت‌اند از:

۴-۱-۲. روایت عاشقانه

بنا بر باورهای عامه عشق یکی از تقدیراتی است که چاره‌گری آن، در بسیاری از موارد جز با مدد جستن از نیروهای ماورائی امکان‌پذیر نیست. مطالعهٔ جنبه‌های تصویری بازوبندها حاکی از آن است که در همه جای این آثار، تصویرها کارکرده مفید و تدبیرساز دارند. استفاده از تصویرگری و خاصیت القایی تصاویر در متبار ساختن برخی افکار و حالات به ذهن آدمی، یکی از کهن‌ترین تدبیر جادویی برای وصول به مقصد است که اغلب از رهگذر ایجاز در بیان و تأکید بر مضامون اصلی صورت می‌گیرد. تصویر ۸ از بازوبندهایی است که برای این منظور طراحی شده و در آن پیکرهٔ زن، مرد و خورشید دیده می‌شود. شخصیت‌های این روایت قابل شناسایی نیستند.



تصویر۸: بازوبند نقره، قرن ۱۳ هجری cm

(۷/۵)

[http://www.qajarwomen.org/fa/ite
\(ms/1333A14.html](http://www.qajarwomen.org/fa/ite/ms/1333A14.html)

۲-۲-۴. نمادها

یکی از مفاهیم بالهمیت برای خوانش فرهنگی آثار، توجه به نمادهای است. انتقال معانی فرهنگی از مهم‌ترین کارکردهای نماد است. نمادهای رایج در بازوبندها را می‌توان از دو جهت ملاحظه کرد:

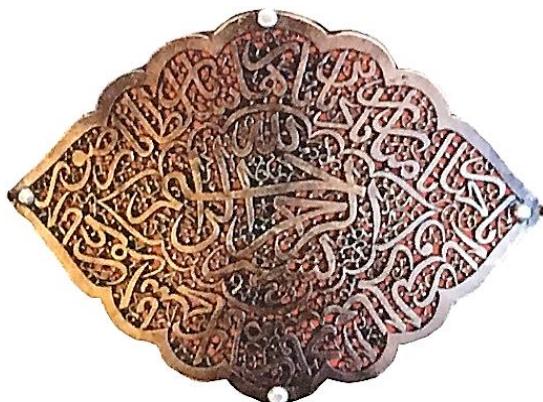
۴-۲-۱. وجه نمادین بازوبندها از نظر شکل ظاهری

در بررسی شکل ظاهری بازوبندها، دو نماد عمدۀ قابل تشخیص‌اند که عبارت‌اند از: دایره و چشم.

الف) دایره: دایره را نمادی از آسمان، عالم معنا، الوهیت، هماهنگی، زندگی‌بخشی و زمان دانسته‌اند. چنان‌که پیش‌تر نیز ذکر شد، دایره به عنوان یک مدار بسته نماد

حمایت است. «مندل» و «دایرۀ تعویذ» که ویژگی حفاظت‌کنندگی دایره را آشکار می‌کنند نیز به همین معنا اشاره دارند (بزرگ‌بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۲).

ب) چشم: تمثیلات و عباراتی همچون چشم سر، چشم دل، چشم حق و نظایر آن، بیانگر کاربرد نمادین چشم در فرهنگ ایرانی - اسلامی است که در آن چشم به عنوان نماد بصیرت باطنی استفاده می‌شود. کلمه عین در سنت اسلام، علاوه بر چشم به معنی تمامیتی خاص، چشمی یا جوهر نیز هست و به عنوان نماد شناخت و بینش مافوق طبیعت به کار می‌رود. تک چشم بدون پلک، نماد جوهر و آگاهی الهی است (شوایله و گربران، ۱۳۸۴: ۵۱۴) (تصویر ۹).



تصویر ۹: بازویند به شکل چشم، نقره، اوایل قرن ۱۳ هجری (تนาولی، ۱۳۹۴: ۹/۷ × ۷/۴ cm)

۲-۲-۲-۴. نمادها از حیث تصاویر مندرج بر روی بازویندها

مجموعه آثار و علائم نقش شده بر روی بازویندها را بیشتر نمادهای طبیعی تشکیل می‌دهند که بخشی از آن‌ها، شاخص‌ترین نمادهای رمزپردازی شده آیینی در فرهنگ ایرانی - اسلامی، شیعی هستند. این نمادها عبارت‌اند از:

الف) شیر: شیر مظهر قدرت، توان و نیرو بوده است و در روزگار باستان، به منزله مظهر و نماینده خورشید شناخته می‌شد. این نقش از پر تکرارترین نقوش در هنر ایران پیش و پس از اسلام است. نقش شیر به تهایی و یا همراه با خورشید، پس از اسلام دارای معانی مذهبی است. در بسیاری از آثار نقش شیر، نماد حضرت علی (ع) بوده و شاخص‌ترین نماد شیعی به کار رفته در آثار مختلف هنر شیعی است (خزایی، ۱۳۸۰: ۳۸) (تصویر ۱۰)



تصویر ۱۰: بازوبند با نقش شیر، نقره، قرن ۱۳ هجری
(تناوله، ۱۳۹۴: ۷۲)

ب) خورشید: از بین عناصر زیست‌شناختی مقدس، خورشید مهم‌ترین مظهر طبیعی قداست است. خورشید فرشته فروغ و روشنایی و نام یکی از ایزدان مزدیسان است که در بخش‌های اوسطی از آن سخن رفته است. در نمادگرایی ایرانی، خورشید به منزله چشم اهورامزدا و در متون اسلامی، چشم همه‌نگر و همه‌آگاه خداوند است (بهزادی، ۱۳۸۰: ۵۵). نمونه‌های متعددی از آثار فلزکاری اسلامی، قرص تابان خورشید را در برج فلکی اسد، به عنوان یک ویژگی نجومی نمایان می‌کند؛ اما در نمونه‌های مربوط به دوره قاجار، رویکرد غالب در تصویرگری خورشید، اشاره به وجه نمادین آن است. قرص خورشید بالدار، از نمادهای مورد استفاده در بازوبندهای قاجاری است که بیشتر بر روی

بازوبندهایی با موضوع عشق و ازدواج، حکاکی شده است و احتمالاً برای آن کاربردی جادویی به عنوان نمادی از خورشید گرمابخش و عشق قائل بوده‌اند (تصاویر ۶ و ۸).



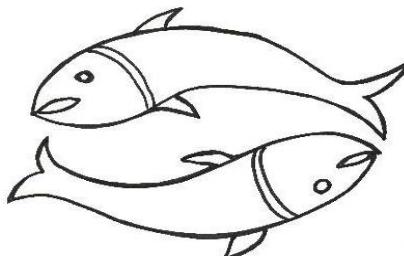
تصویر ۱۱: خورشید بالدار، برگرفته از بازوبند شماره ۸

ج) شیر و خورشید: در رمزپردازی‌های آیینی و ملی ایران، شیر و خورشید، نه تنها به عنوان یک نماد ملی، بلکه به عنوان یک نماد شیعی، شناخته شده و بر روی آثار مختلف کاربرد گسترده‌ای داشته است. در فرهنگ ایران از دیرباز، خورشید به عنوان مظهر خداوند و شیر نشانه قدرت و اقتدار، هر دو به خدایان مربوط بوده‌اند (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۸۰). در معتقدات شیعی مردم ایران، شیر و خورشید نماد مقدسی است که با شخصیت حضرت علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) پیوسته است (خزایی، ۱۳۸۰: ۳۸). در دوره قاجاریه نقش شیر و خورشید کاربردی روزافروزن یافت. اهمیت قدسی این نقش و اعتقاد مردم به خوش‌یمنی آن را می‌توان از دلایل این امر برشمرد (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: بازوبند نقره، اوایل قرن ۱۳ هجری، cm ۸/۶ (تناولی، ۴۰: ۱۹۸۵)

د) ماهی: ماهی در روایات اسلامی به نحو مؤثری حضور دارد. بسیاری از مفسران قرآن برآند که مراد از «ن» که در آغاز سوره قلم آمده، ماهی‌ای است که جهان بر پشت اوست. دوازدهمین ماه سال نیز حوت (ماهی) نام دارد. بنابر آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴ سوره صفات، حضرت یونس^(ع) را ماهی‌ای فروبلعید. شباht شگفت‌انگیز داستان‌های رایج در فرهنگ‌های کهن سراسر دنیا و اسطوره‌های برخی از اقوام ابتدایی با داستان حضرت یونس و ماهی، توجه بسیاری از دین‌پژوهان را برانگیخته است. این اسطوره‌ها بیان نمادینی از تقابل مرگ و ظلمت با زندگی و نور هستند (مختریان و صرامی، ۱۳۹۳: ۷۶). استفاده از تعویذ‌های ماهی‌شکل از قرن ۱۹/۱۳ ق در فرهنگ ایران گسترش پیدا کرد. این تعویذها معمولاً حاوی کتبه‌های جادویی غیرقرآنی همراه با اعداد هستند (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). ظاهراً باور عامه مبنی بر خوش‌یمنی ماهی می‌تواند با این موضوع در ارتباط باشد.



تصویر ۱۳: نقش ماهی، برگرفته از بازوبند شماره ۷

ه) پیکرۀ زن و مرد: مشی و مشیانه، مهلهی و مهلهانه یا آدم و حوا، اسطوره نخستین جفت انسانی در روایت‌های ایرانی و اسلامی هستند. مسئله ازدواج و افزایش نسل آدمی، نقطه محوری این اسطوره است (فرنگدادگی، ۱۳۶۹: ۸۱). بر روی بسیاری از بازوبندهای مرتبط با موضوع عشق و ازدواج، تصویر زوجی به چشم می‌خورد. در بازوبند شماره ۸ پیکرۀ زن و مرد با پوششی گیاهی محصور شده است که با توجه به نوع بازوبند، می‌تواند با گیاه ریباس یا عشقه در اسطوره ایرانی مشی و مشیانه در ارتباط باشد.

و) نباتی: درخت‌های مقدس همراه با اساطیر و آیین‌های مربوط به آن بخش مهمی از مذهب، تاریخ، باورهای قومی و روایت‌های مردمی رایج در سرتاسر جهان را تشکیل می‌دهند. درخت جاودانگی، هوم سپید، درخت هزار تخته، درخت گوکرن (همان، ۶۵، ۸۷)، درخت معرفت (بقره / ۳۵/۲)، درخت مریم یا نخل (مریم / ۲۳/۱۹)، و شجر اخضر (یس / ۳۶/۸۰)، نمونه‌هایی از معروف‌ترین درختان مقدس شناخته شده در فرهنگ ایرانی - اسلامی پیش و پس از اسلام هستند. نقوش گیاهی در بازوبندها خیلی مورد استفاده نبوده است و در مواردی محدود، به‌شکل نوعی درخت یا گیاه ریواس و نظایر آن مشاهده می‌شود (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴: بازوبند عقیق، دوره قاجار، همراه با جزئیات

https://www.britishmuseum.org/research/collection_online/collection_object_details/collection_image_gallery.aspx?assetId=6811001&objectID=217646&partId=1#more-views

۲-۴. کُدها و رمزنگاره‌ها

منظور از کُد در این پژوهش، مجموعه‌ای از نوشته‌ها و حروف است که بر مفاهیم فرهنگی یا مذهبی دلالت دارند. میزان بسامد کُدهای فرهنگی در هر بخش از فرهنگ، نشانگر اهمیت آن کُدها در قیاس با سایر موارد است. کُدهای رایج در بازوبندها را در دو بخش کلی می‌توان مورد ملاحظه قرار داد:

۱-۲-۴. کُدهای فرهنگی

منظور از کُدهای فرهنگی اشعار، آیات، احادیث هستند که نمونهٔ شعری در بازویندها مشاهده نشد؛ اما نوشته‌های اعتقادی از متدالول‌ترین کدهای مورد استفاده هستند. این نوشته‌ها عبارت‌اند از:

(الف) اسماء الهی: پیشینیان بر این باور بودند که میان نام، ذات و نیروهای واقعی پیوندی عمیق و استوار برقرار است، به‌گونه‌ای که گویی این دو، یعنی اسم و ذات، مفهوم و بودهای یگانه‌اند و از همین روی با دانستن نام واقعی کسی یا چیزی می‌توان آن را در اختیار گرفت (سرکاراتی، ۱۳۷۷: ۲۲). در نزدیکی به همین مضمون و با استناد به آیهٔ قرآنی «الله اسماء الحسنی فادعوه بھا» (اعراف/۷/۱۷۹) در بسیاری از طلسم‌ها و تعاوید از اسمی خداوند استفاده شده است (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵: دو طرف یک بازویند نقره، اوایل قرن ۱۴ هجری (تนาولی، ۱۳۹۴: ۷۵).

(ب) آیات قرآنی: سوره‌های قرآنی «فلق»، «الناس» و «آیه‌الكرسي» از مشهورترین سوره‌های قرآنی برای بی‌اثر ساختن چشم‌زخم و محافظت از بلایا هستند. علاوه بر آن-

ها، استفاده از آیه ۳۵ سوره نور (تصویر ۱۵) سوره الشمس (تصاویر ۴ و ۱۰) و آیات ۵۲ و ۵۳ سوره قلم (انیکاد) نیز در بازو بندها کاربرد گسترده‌ای داشته است.

ج) اسمی اهل بیت (ع) و صلوات: توسل به ائمه از محوری‌ترین عقاید شیعیان برای رسیدن به حاجات است. از این‌رو نوشتمن اسمی اهل بیت (ع) و صلوات، بر روی



تصویر ۱۶: بازو بند نقره با سنگ‌های قیمتی، قرن ۱۳ هجری

<https://www.christies.com/lotfinder/jewelry/a-qajar-talismanic-bazuband-iran-19th-century-5985290-details.aspx?from=searchresults&intObjectID=5985290&sid=82e16127->

بسیاری از تعویذها و بازو بندها رایج بود (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۷: جزئیات تصویر شماره ۱۶

د) دعای ناد علی: یکی از مشهورترین ادعیه شیعی، دعای ناد علی است. اعتقاد به خواص معجزه‌آسای این دعا در برآورده شدن حاجات، سبب کاربرد آن بر روی برخی از اشیای طلسمی و از جمله بازو بندها شده است. این عبارت، نه فقط استعانت جستن از حضرت علی (ع)، بلکه یک شعار اعتقادی شیعی است که در مناسبت‌های مختلف و بر روی آثار متفاوت به کار می‌رود.



تصویر ۱۸: بازوبند نقره، اواسط قرن ۱۳ هجری
<http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/6980/9992/0/12716#details>

۲-۲-۴. رمزنگاره‌ها

خلاصه‌نویسی کلمات و نوشتن حروف به صورت رمز از مواردی است که در شاخه‌های مختلف علوم غریبه کاربرد دارد. اعتقاد به خاصیت حروف یا «علم اسرار حروف» - که قدمت آن به قرن‌های اول اسلامی می‌رسد - در دوره قاجار گسترش یافت. صاحب‌نظران این حوزه، بر این باور بوده و هستند که این حروف و اعداد رمزی با پیدایش عالم خاکی، ارواح و مظاهر آسمانی، ذات الهی و اسمای خداوندی که خالق این پدیده‌هast، ارتباط دارند (تاریخی، ۱۳۹۴: ۲۰). رایج‌ترین رمزنگاره‌های رایج بر روی بازوبندها عبارت‌اند از:

الف) اسم اعظم

اسم اعظم بسیار ناشناخته و دست‌نیافتنی است و اگر نزد کسی باشد، مستجاب‌الدعوه می‌شود و از او کارهای شگفت برآید. از قصص و روایات اسلامی برمی‌آید که سه کس هر کدام به گونه‌ای با نام بزرگ خدا در ارتباط بوده‌اند. آن سه تن عبارت‌اند از: بلعم باعور، آصف بن برخیا و سلیمان بن داود (یا حقی، ۱۳۷۵: ۸۷).

در برخی از آثار از جمله کتاب شمس‌المعارف‌الکبیری، طلسماً آمده است که یکی از اجزاء آن ستاره داود است. این طلسماً که در برخی از کتاب‌های اسلامی گسترش یافته، احتمالاً مربوط به قوم یهود است (ذاکری، ۱۳۸۸: ۱۳۵). تصویر ۱۹ این طلسماً را نشان می‌دهد که مشابه آن بر بازوبند شماره ۲۰ نقش شده است.



تصویر ۲۰: بازویند نقره، قرن ۱۳ هجری
(خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

تصویر ۱۹: اسم اعظم (ذاکری، ۱۳۸۸: ۱۳۵)

ب) حروف: واعظ کاشفی در باب تأثیر حروف در طلس مطالب مفصلی دارد؛ مثلاً حرف «ج» دافع چشم زخم، حرف «د» برای جلب دوستی شاهان، «ذ» برای بیمار کردن و نظایر آن است (موسی پور، ۱۳۸۷: ۹۷). با توجه به نمونه‌های مورد بررسی، ظاهرآ کاربرد حروف به اندازه اعداد بر روی بازویندهای گستردۀ نبوده یا این‌که با مقاصد سفارش‌دهندگان، مطابقت نداشته است. بر روی بازویندهای شماره ۶ و ۱۲ کاربرد حروف دیده می‌شود.

			ب
		ل	ب
	ف	ل	
ح			
		ت	
		ب	ت
			د
			ه
			و
		ب	د
			ح

تصویر ۲۱: کاربرد حروف، برگرفته از بازویند شماره ۱۲

بازویندهایی از جنس حرز و آرزو... سکینه خاتون محمودی و همکاران

ج) اعداد: در بسیاری از موارد رملان و دعائیسان به جای حروف، از معادل عددی آنها استفاده می‌کردند. کاربرد اعداد بر روی بازویندها بسیار گسترده بود (تصویر ۲۲).



تصویر ۲۲: بازویند شیر و خورشید، قرن ۱۳ هجری برنج

https://www.britishmuseum.org/research/collection_online/collection_object_details.aspx?objectID=218042&partId=1&searchText=qajar&images

د) مربعات جادویی: در این نوع طلسیم که بیشتر بر جدول و عدد استوار است، از مجموع چند عدد، به جدول‌هایی می‌رسیدند که به مربعات جادویی مشهور است (عزیزی‌فر، ۱۳۹۲: ۹۰). اعداد مفروض را از حروف سوره‌های قرآن می‌گرفتند و آنها را در جدول‌های مختلف قرار می‌دادند و برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های متفاوت به کار می‌برdenد (تصویر ۲۳).



تصویر ۲۳: بازویند نقره، قرن ۱۴ هجری، cm ۶/۷ (تناولی، ۱۳۹۴: ۷۴)

با توجه به محتوای رایج در این آثار، می‌توان گفت یاد خداوند و توکل به او از برجسته‌ترین موضوعات نقش‌شده بر بازوبندهاست که در موارد مختلفی همچون استعانت جستن از خداوند برای غلبه بر دشمنان، پناه بردن به او از شر گزند اهربیمن، چشم بد، انسان‌های شرور و سایر پلیدی‌ها قابل مشاهده است. این موضوعات مبتنی بر شریعت‌گرایی است.

۵. نتیجه

نتیجه این بررسی ضمن آنکه نشان از تأثیر مستقیم باورهای عامیانه و اعتقادات اسلامی بر مضامین رایج در بازوبندهای دوره قاجار دارد، بیانگر تداوم باورهای عامیانه کهن ایرانی نیز هست که شاخص‌ترین وجه آن را می‌توان در استفاده از عناصری همچون خواص سنگ‌های سحرآمیز و فلزات به عنوان عناصری اهربیمن‌ستیز، مشاهده کرد. با توجه به نمونه‌های موردبررسی، مشخص شد که بازوبندها برای مقاصد و اهداف متفاوتی همچون حفاظت از بلایا، غلبه بر دشمن، کسب متاع و لذات دنیوی، عشق، باروری و نیکفرجامی کاربرد داشته‌اند.

پیوست‌های فرهنگی رایج در این بازوبندها، در سه وجه روایت‌ها، ویژگی‌های نمادین و گُدھای فرهنگی قابل ملاحظه است. در وجه اول روایت‌های رایج بر بازوبندها به عشق، بدون مرجع مشخص به داستان یا روایتی عاشقانه و ادبی محدود هستند.

در وجه دوم، یعنی ویژگی‌های نمادین باید گفت بسیاری از تصاویر رایج در بازوبندها در این دوره شکل نمادین دارند. این نمادها اغلب در شکل‌های جانوری و اساطیری نمود یافته است. بیشترین نوع کاربرد به نمادهای جانوری و به خصوص نقش شیر به عنوان نماد حضرت علی^(۴)، مربوط می‌شود. نقش شیر و خورشید نیز به عنوان یک نقش ملی، مذهبی از دیگر نقوش پربرسامد در بازوبندهای دوره قاجار است. باید گفت، پیوستگی این معانی با ذهن و زندگی عame مردم که ریشه در فرهنگ ایرانی - اسلامی دارد، به گسترش انواع نمادهای منطبق با باورهای دینی، مذهبی و عامیانه منجر شده است.

در وجه سوم پیوستگی فرهنگی بازوبندها، یعنی کدھای فرهنگی، این کدھا بر روی تعداد زیادی از بازوبندهای دوره قاجار قابل مشاهده بود و شامل چهار بخش کلی است: ۱. اسماء الهی، ۲. آیات قرآنی، ۳. اسمائی اهل بیت، ۴. دعای ناد علی. از بین این کدھا، کاربرد اسماء الهی و برخی از آیات قرآنی از جمله آیه «انیکاد» بیش از دیگر کدھاست. رمزنگارهها از دیگر مضامین رایج در بازوبندها هستند که در چهار وجه نمود یافته‌اند: ۱. اسم اعظم، ۲. اعداد، ۳. حروف، ۴. مربعات جادویی. از بین این رمزنگارهها، اعداد و مربعات جادویی کاربرد گسترده‌تری دارند. مقایسه مضامین رایج در بازوبندها، نشان از گستردگی کاربرد کدھای فرهنگی، در مقایسه با سایر موارد دارد.

نگاهی کلی به جنس، انواع، اذکار و تصاویر بازوبندهای دوره قاجار بیانگر این نکته است که در همتینیدگی اعتقادات عامه و باورهای مذهبی به صورت نظامی فکری و لاهوتی، برای انتقال نیروهای خوش‌یمن و کارگشا در بازوبندها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بازوبندهایی که بی‌شک مبنای ساخت و کاربرد آن‌ها بر اساس آرزوهای دست نیافتنی و ایجاد سدی محکم در برابر بلایا و سختی‌ها بوده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Jeffrey Alexander
2. Philip Smith
3. Émile Durkheim
4. Autonomy
5. Thick description
6. Clifford Geertz
7. Scare
8. Profane

۹. برای کسب اطلاعات بیشتر و مشاهده تصاویر رک: غیبی، ۱۳۹۱.

منابع

- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۲). «برخی نکات و بنایه‌های داستانی منظمه پهلوانی - عامیانه زرین قبانمه». فرهنگ و ادبیات عامه. ش. ۱. صص ۴۰ - ۴۱.

- (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل چند رسم پهلوانی در متون حماسی». پیک نور. س ۱. ش ۱. صص ۵-۲۶.
- بزرگبیگدلی، سعید و همکاران (۱۳۸۶). «نمادهای جاودانگی (تحلیل و بررسی نماد دایره در متون دینی و اساطیری)». پژوهش‌های ادبی عرفانی. ش ۱. صص ۷۹-۹۸.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۱). «باطل‌سحر». دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. به سرپرستی کاظم موسوی بجنوردی. ج ۱۱. تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. صص ۱۹۰-۱۹۴.
- بهزادی، رقیه (۱۳۸۰). «نماد در اساطیر (فرهنگ نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب)». کتاب ماه هنر. ش ۳۵-۳۶. صص ۵۲-۵۶.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۶). آثارالباقیه. ترجمه اکبر دانسرشت. تهران: امیرکبیر.
- تناولی، پروین (۱۳۹۴). طلس‌گرافیک سنتی ایران. ج ۴. تهران: بن‌گاه.
- جهانشاهی‌افشار، علی و جواد مداحی‌مشیزی (۱۳۹۶). «تعویذ در فرهنگ عامه (مطالعه موردي: فرهنگ عامه مردم کرمان)». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۵. ش ۱۳. صص ۲۷-۵۰.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۸). «یکی داستان است پر آب چشم». گل رنج‌های کهن. به کوشش علی دهباشی. ج ۱. تهران: ثالث. صص ۶۱-۹۸.
- خزایی، محمد (۱۳۸۰). «نقش شیر نمود امام علی^(۴) در هنر اسلامی». کتاب ماه هنر. ش ۳۱ و ۳۲. صص ۳۷-۳۹.
- خلیلی، ناصر (۱۳۸۷). ابزارآلات علمی (مجموعه هنر اسلامی). ویراستار انگلیسی جولیان رابی. ویراستار فارسی ناصر پورپیرار. ترجمه غلامحسین علی مازندرانی. تهران: کارنگ.
- ذاکری، مصطفی (۱۳۸۸). «ابداع خطوط رمزی در فرهنگ اسلامی و ایرانی». آینه میراث. ش ۴۵. صص ۱۲۱-۱۴۲.
- رضی، هاشم (۱۳۷۶). وندیداد. تهران: فکر روز.
- ریکور، پل (۱۳۸۶). زنگ‌گی در دنیای متن: شش گفت‌وگو، یک بحث. ترجمه بابک احمدی. تهران: مرکز.
- زرین قبانامه، منظومه‌ای پهلوانی و پیرو شاهنامه از عصر صفویه (۱۳۹۳). تصحیح سجاد آیدنلو. تهران: سخن.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۷). «درباره فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی و ضرورت تدوین آن». نامه فرهنگستان. س ۴. ش ۱. صص ۲۱-۷۲.
- شاملو، احمد (۱۳۷۷). کتاب کوچه. با همکاری آیدا سرکیسیان. حرف ب. تهران: مازیار.

بازویندهایی از جنس حرز و آرزو... سکینه خاتون محمودی و همکاران

- شوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۸۲). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضایلی. ج ۳. چ ۲. تهران: جیحون.
- — (۱۳۸۴). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضایلی. ج ۲. چ ۲. تهران: جیحون.
- شایست ناشایست (۱۳۶۹). ترجمه کتایون مزادپور. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۴۸). تنسوخنامه ایلخانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عزیزی فر، امیرعباس (۱۳۹۲). «بررسی طلس و طلس‌گشایی در قصه‌های عامیانه فارسی (سمک عیار، حسین کرد و امیر ارسلان)». متن‌شناسی ادب فارسی. س ۵. ش ۱. صص ۱۰۰-۸۳.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۹۱). ۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی. ترجمه منوچهر غیبی. تهران: هیرمند.
- فخرایی، سیروس (۱۳۸۸). «تفکر جامعه‌شناختی جفری الکساندر». جامعه‌شناسی. س ۱. ش ۴. صص ۲۹-۵۴.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). شاهنامه. تهران: کتاب‌سرای نیک.
- فرنیغ دادگی (۱۳۶۹). بینا‌هش. ترجمه مهرداد بهار. تهران: توسع.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- مجلسی، ملا محمدباقر (۱۳۷۳). حایه‌المتقین. تهران: جاویدان.
- مختاریان، بهار و عارفه صرامی (۱۳۹۳). «تحلیل ساختاری دوگانگی نماد دو ماهی». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. د ۴. ش ۲. صص ۶۹-۸۸.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۷). دوازده+ یک؛ سیزده پژوهش درباره طلس، تعویق و جادو. تهران: کتاب مرجع.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۷). روایت پهلوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نیکوبخت، ناصر و همکاران (۱۳۸۹). «فلز و قداست آن در اساطیر ملی و متون دینی». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. ش ۱۸. صص ۱۷۷-۲۰۰.
- هال، جان. آر و مری جونیتس (۱۳۹۰). فرهنگ از دیلگاه جامعه‌شناختی. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: سروش.

- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: سروش.

- Alexander, J. C. & Ph. Smith (1993). "The Discourse of American Civil Society: A New Proposal for Cultural Studies". *Theory & Society*. 22(2). Pp. 151–207.

- Alexander, J. & Ph. Smith (2006). "Strong Program in Cultural Sociology: Elements of Structural Hermeneutics". Jeffrey C. Alexander. *The Meanings of Social Life: a Cultural Sociology*. Oxford and New York: Oxford University Press. Pp. 11-26.

- Woodward, Ian (2007). *Understanding material culture*. Sage publications. London.

- http://www.britishmuseum.org/collection_online/collection_objects

- <https://www.christies.com/lotfinder/searchresults.aspx>

- <http://www.Jameelcenter.ashmolean.org/collection>

- <http://www.qajarwomen.org/fa/item/1333A14.html>

- <https://www.noormags.ir>

**Arm bands of amulet and wish
(Formal and cultural annexes of Qajar armbands)**

**Sakineh Khatoun Mahmoudi¹ Seyyed Aboutorab Ahmad
Panah *² Mohammad khazaei³**

1. Ph.D. candidate in Islamic art – Tarbiat Modares University – Tehran –Iran.
2. Assistant professor of visual communication – Faculty of art and architecture- Tarbiat Modares University-Tehran –Iran.
3. Professor of professor of visual communication – Faculty of art and architecture- Tarbiat Modares University-Tehran –Iran.

Received: 16/11/2018

Accepted: 17/04/2019

Abstract

Today, in historical and cultural studies, objects and images are also called sources of information as text- document. They are important not only to supply the information of written sources, but also to provide information enabling writers of historical texts who have not been able to express them. Examining these works and reading commonly used cultural themes can help better understand public opinion and lifestyle. The themes of magic and amulet are derived from the main doctrines and ways of thinking. The common cultural and religious ties that unite them are closely tied to the popular culture of the people. In the context of this study and in order to understand the influence of ideology and religion on the material culture of the Qajar period, the authors have tried to apply different themes to these works by studying the case of armbands to answer the following question: how do Islamic Shi'a notions fit into the apparent structure and patterns of Qajar armbands? Research methodology is descriptive – analytical. In this research, this issue has been addressed in two parts of the position of Iranian -Islamic culture and the formal and cultural annexes of amulets (narratives, codes and decipherments). The result of this study, while demonstrating the direct effect of Shia and Islamic beliefs on Qajar periodical armbands, showed the direct effect of popular beliefs on how these works are used and designed.

Keywords: Material culture; Shia religion; armband; Qajar period

*Corresponding Author's E-mail: Ahmadp_a@modares.ac.ir

